

ماه و کتان

دکتر نورالدین قاضی

دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی - تهران

□ از مضامینی که در شعر فارسی و نیز شعر عربی، گه‌گاه و به ندرت، بدان توجه شده است و حتی در شعر معاصر فارسی نیز آمده است، یکی هم موضوع «ماه و کتان» است. مرور این عقیده‌ی قدام، مبنی بر این‌که قصب یا همان کتان، در برابر نور ماه فرسوده می‌گردد و می‌گنازد و تاب و تحمل مهتاب را ندارد، موضوعی است جالب توجه که با ذکر شاهد مثال‌های متنوع، در این مقاله بدان پرداخته شده است.

ناصر خسرو ضمن قصیده‌ی در مدح مملوح خود یعنی «مستنصر بالله ابوتمیم معد بن علی» گوید: از نام تو بگنازد بدخواه تو، گویی / ماهست مگر نامت و بدخواه تو، کتان (دیوان، چاپ دانشگاه تهران، ص ۴۸۷)

برای توضیح درباره‌ی این بیت ابتدا ذکر نمونه‌هایی از مفهوم مجازی مصدر گناختن یعنی کاستن و لاغر کردن در دیوان اشعار ناصر خسرو، ضرور به نظر می‌رسد: مگر کاندلر بهشت آبی به حیل / بدین آئینه تن را چون گنازی؟ (همان، ص ۴۲۷)

زین قبل ماند به یمگان در حجت پنهان / دل برآگنده ز آئوده و غم و تن به گناز (همان، ص ۱۱۳)

ز آن چه داری نصیب نیست ترا / جز شب و روز رنج و گرم و گناز (همان، ص ۱۵۲)

مزید بر این موارد، ذکر دو نمونه از کیمیای سعادت غزالی، در وضوح مفهوم مجازی گناختن، خالی از فایده نیست: «بدان که هر که یخ دارد به وقت گرما و بر آن حریص باشد تا چون تشنه شود آب بدان سرد کنده کسی بیاید که آن برابر زر بخرد، آن حرص وی در یخ بشود از حرص زر، گوید که روزی آب گرم خورم و صبر کنم و این زر همه عمر با من بماند، بستانم اولیتر از آن که این یخ نگاه دارم؛ که خود بماند و شبانگاه را بگداخته باشد.» (کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۴۳۵)

«مثل وی چون مردی ست که سرمایه‌ی وی یخ بود، در تابستان بنهد تا می‌فروشد و منادی همی کند که «ای مسلمانان رحمت کنید بر کسی که سرمایه‌ی وی می‌گنازد.» (همان، ج ۱، ص ۲۶۸)

در لغت‌نامه‌ی دهخدا آمده است: «... ساقه‌ی کتان دارای الیافی ست که از آن‌ها در نساجی استفاده می‌کنند، نباتی است به قدر ذریعی، ساق و برگش باریک و گلشن لاجوردی و قبه‌یی قریب به جوزی و پر از تخم و پوست که او را مانند پنبه تائیده، لباس ترتیب می‌دهند و آن جامه در برابر مهتاب قوت ندارد.»

در فرهنگ فارسی معین نیز آمده است: «از برگ‌های آن [کتان] الیاف بسیار ظریفی حاصل می‌شود که در تهیه‌ی منسوجات ظریف به کار می‌رود، ولی عیب الیاف این گیاه آن است که بسیار زود فاسد می‌شود و بنابراین منسوجات حاصل از آن‌ها کم مقاومت و بی‌دوام است.» (فرهنگ فارسی، ذیل کتان)

مروری در متون منظوم ادب فارسی، در بیان مضامین «ماه و کتان» و گناختن کتان یا قصب در برابر مهتاب، نمایان‌گر مفاهیم گوناگون این موضوع است. ظاهراً سنایی غزنوی پیش از دیگر شاعران به این موضوع پرداخته است: با تن من کرد نور عارضت / آن چه با تار قصب مهتاب کرد (سنایی، دیوان، ص ۸۴۹)

نزد خورشید فضل گردونی / پیش مهتاب طبع کتانی (همان، ص ۶۷۰)

روی تو مهتاب شد تار قصب شد تنم / آفت تار قصب هست ز مهتاب تو (همان، ص ۹۹۲)

همرهان با سرخ‌روی چون به پیش ماه سبب ماه به زیر خاک چون در پیش مه‌کتان شویم (همان، ص ۴۱۸)

تو پیش خویشتن خود را چو کتان نیست کن زیرا ترا بر چرخ ماهی به که در بازار کتانی (همان، ص ۶۸۶)

مضمون بیت مذکور از ناصر خسرو، در شعر فرخی سیستانی چنین آمده است:

ز کین او دل دشمن چنان شود که شود / ز نور ماه درخشنده جامه‌ی کتان (فرخی سیستانی، دیوان، ص ۲۵۴)

خاقانی شروانی در قصیده‌ی در مدح مظفر قزل ارسلان بن ایلدگز، گفته است:

از ماه درفش تو مه‌چرخ سوزان چو ز مه کتان بینم (خاقانی شروانی، دیوان، ص ۲۷۱)

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در غزلیات شمس گوید:

گر قصب ورا نیچم دل خود در غم تو / چون قصب پیچ مرا هالک مهتاب کنی (گزیده‌ی غزلیات شمس، ص ۵۴۶)

سعدی، قصه‌ی ماه و کتان را در غزلیات خویش، چنین بیان کرده است:

گر در نظرت بسوخت سعدی مه را چه غم از هلاک کتان (سعدی، غزلیات، ص ۳۶۱)

اگر چراغ بمیرد صبا چه غم دارد / و گر بریزد کتان چه غم خورد مهتاب (همان، ص ۲۲)

در شعر معاصر هم، مضمون ماه و کتان نقل شده است. میرزا حبیب خراسانی گفته است: به گردن مه گردن درافکنی زنجیر / چه رای حزم تو باشد ز رشته‌ی کتان (میرزاحبیبه دیوان، ص ۲۹۹)